



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۵/۱۱

احمد فواد ارسلا

## "احمق و ساده" توصیف کردن مصطفی صغیر توسط محترم باری جهانی و احتمال نقش انگلیس در قتل امیر حبیب الله خان

با عرض احترام به شخصیت هنری و علمی محترم باری جهانی این مقاله را با قسمتی از یک شعر جهانی صاحب آغار میکنم:

کلونه تېر وو لارو نه وایه تصویر د پلـونـو  
هېرې د شپو څخه کیسي وي ما دي لار څارله  
لکه یعقوب د کاروانو لاري مي سترې کـرـلـي  
نصیب د مصر زولني وي ما دي لار څارله

با ارج گذاری به مقام عالی جهانی صاحب منحيث شاعر پر افتخار افغانستان و مباحث اوشان با دانشمندان گرانقدر و عالم داکتر صاحب کاظم، داکتر صاحب زمانی و کانديد اکادیمسن سيستاني صاحب، منحيث یک شاگرد تاریخ و علاقمند تحقیق و بحث و تحلیل منطقی در مورد این پرسش محترم باری جهانی که چرا باید انگلیس ها بخواهند امیر حبیب الله خان را به قتل برسانند، توجه شان را به نامه آ. اچ. گرانت وزیر امور خارجه دولت هند درباره ای سیاست بی طرفی افغانستان، در سال ۱۹۱۵ در مورد شک و تردید بریتانیا در ارتباط با سیاست بی طرفی امیر حبیب الله خان جلب میکنم که من قبلاً در مقاله خود قتل امیر حبیب الله خان و نقش برتانيا به تاریخ 19 مارچ 2024 نقل کرده بودم:

«نقایص بی طرفی عبارتند از:

- ۱) اینکه این موضوع جنجال های را در آینده باز میکند و با یک همسایه بیطرف، هیچگاه نمیتوانیم کاملاً مطمئن شویم که او هر لحظه همسایه دشمنی نخواهد شد؛
- ۲) اینکه ادامه بیطرفی محض امیر هیچ تأثیر واقعی بر نظر مسلمانان هند نداشته باشد که بدون شک به افزودن یک قدرت دوم مسلمانان به اردوگاه ترکو-جرمن بسیار هیجان زده میشوند؛
- ۳) اینکه با بیطرف بودن امیر، افغانستان همچنان باز به دست پرداز ترکو-جرمن میماند و به گروههای فراری ترکو-جرمن از ایران پناه میدهد.

از سوی دیگر، معایب بدست آوردن همکاری فعال امیر، اگر این امکان وجود داشته باشد، عبارتند از:

- ۱) اینکه ممکن است باعث انقلاب در خود افغانستان شود؛
  - ۲) اینکه امکان مطالبات بیش از حد امیر در پایان جنگ فراهم شود؛
  - ۳) اینکه در خطر بلند شدن شمشیر افغان قرار گیریم.
  - ۴) اینکه با اجازه دادن به نیروهای افغان در مناطق مجاور پرتکاپویی یا کمتر دفاعی ایران، ما در حال وارد کردن دشواری بیجا به جمعیت ملکی خواهیم بود.»
- در همان مقاله از جورج راس کوپل ایجنٹ انگلیس درپشاور هم نقل کرده بودم که به تاریخ 13 مارچ 1916 در یک نامه در ارتباط با آمدن هیئت جرمن ها به کابل به مقامات برتانيا در دهلی در مورد امیر حبیب الله خان نوشت: «امیر بازی خطرناکی را شروع کرده است.»

این دو نقل قول صرف دو اشاره بدست آمده توسط این نویسنده در حال حاضر است و با اینکه منطقی به هیچ صورت شواهد قاطع و نهائی محسوب شمرده نمیشوند اما قطعاً نشانه های موجودیت شک و تردید انگلیس ها در مورد امیر

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

حبیب الله خان محسوب شده می‌توانند. باید اضافه گردد که مثل هر بحث روابط بین المللی در گذشته و حال تحلیل ها و نتیجه گیری های پشت پرده در جریان بوده و است که بعضا به مرور زمان افشا میشود.

محترم باری جهانی در مقاله «Conspiracy Theory» یا عقیده طرفداری از موجودیت دسیسه» اظهار داشته اند « باید بر این حقیقت تأکید ورزیم که امپراطوری انگلستان، خاصا حکومت هند برتانوی، در افغانستان هر وقت متوسل به دسیسه شده اند و رول مطلقا منفی را در سرنوشت مردم این کشور بازی نموده اند.... مداخلات و تجاوزات غیر عادلانه آن بر این کشور، همیشه بصورت آشکار و پنهان متوسل به دسیسه چینی شده است.» که این نظر شان حقیقت است اما در همین مقاله از این مقدمه نتیجه گیری کرده اند که « بعضی از مورخین افغانستان، حتی اکثریت آنها، به این عقیده هستند که حبیب الله خان را انگلیس ها از بین بردند؛ و علت این کار را درخواست امیرحبیب الله خان برای استقلال کامل کشور خود ذکر مینمایند.» جهانی صاحب در همان مقاله از آدمک نقل قول کرده اند که نوشته است « چلمسفور میدانست که امیر خواهان استقلال کامل، بدست آوردن بعضی مناطق از دست رفته، پول و نمایندگی در انگلیند خواهد شد. « بدون مطالعه کتاب که من فعلا دسترسی ندارم نمیتوان گفت که این تذکر آدمک نتیجه گیری وی بر اساس کدام سند است که حبیب الله خان خواهان استقلال کامل، بدست آوردن بعضی مناطق از دست رفته، پول و نمایندگی بوده است ویا این نظر شخص آدمک است. و اگر هم حبیب الله خان خواهان استقلال کامل بوده است همین تذکر آدمک دلیل محکم دیگری است که این امکان را تقویت میبخشد که انگلیس ها میخواستند امیرحبیب الله خان را از سر راه شان بردارند. باید عرض شود که برداشت اینجانب این بوده و است که انگلیس ها بازی امیرحبیب الله خان برای بدست آوردن امتیازات بیشتر با استفاده از شرایط خاص جنگ اول جهانی را خطری برای منافع خود تحلیل کرده بودند و غالبا به اقداماتی برای رفع این خطر پرداخته بوده اند. که به گفته شخص جهانی صاحب این اقدامات شامل "رول منفی، پنهان و دسیسه چینی" بوده است که این نوع برداشت را Conspiracy Theory یا عقیده طرفداری از موجودیت دسیسه نامیدن شاید غیر عادلانه باشد.

از طرف دیگر محترم باری جهانی نظریه میدهند چون " کتاب های لوئی آدمک و کتاب های Historical Dictionary of Afghanistan نوشته لوئی آدمک و کتاب The emergence of Modren Afghanistan نوشته وارتان گریگوریان که به نظر ایشان "مهمترین و مستندترین کتابها در باره حوادث زمان امیرحبیب الله خان" محسوب میشوند ذکری از مصطفی صغیر نکرده اند بنا بر آن تحقیق و بحث در مورد مصطفی صغیر و نقش او تحت امر انگلیس در قتل امیرحبیب الله خان تحقیق و بحث تاریخی نبوده فرضیه دسیسه پردازی است. سوال در اینجا است که در کدام مطالعه و بحث تاریخ یک موضوع به دلیل ذکر نشدن در یک کتاب رد میشود و چه کسی ثابت کرده میتواند که اگر اسناد و شواهد تازه در اختیار لوئی آدمک و وارتان گریگوریان منحیث مورخین واقعین قرار می گرفت در مورد تجدید نظر نمیکردند؟

در ذیل کوششی به جواب سوال های اسناد جهانی تقدیم میگردد :

- 1- در این مورد در بالا دلایل موجودیت شک و شبه و بی اعتمادی انگلیس ها بر امیرحبیب الله خان که میتواند سبب اقدامات علیه وی گردیده بود عرض گردید.
- 2- مصطفی صغیر سال ها بعد از نقش داشتن در قتل امیرحبیب الله خان در ترکیه به جرم تلاش به هدایت انگلیس برای به قتل رساندن مصطفی کمال اتاترک دستگیر شد و تمام اسناد و شواهد حاکی بر این است که وی جاسوس کارکشته و سابقه داری بوده است که نقش داشتندش در قتل امیرحبیب الله خان از نظر منطقی دور از امکان نمیباشد. به این معنی که برخلاف سوال جهانی صاحب تجربه و موفقیت مصطفی صغیر در عملیات افغانستان در 1919 میلادی دلیل برگزیده شدن وی برای عملیات قصد قتل مصطفی کمال اتاترک در 1921 میلادی بوده است نه بالعکس. تمام اسناد و شواهد نشاندهنده این است که مصطفی صغیر آنطوری که جهانی صاحب توصیف کرده اند "ساده و احمق" نبوده و برخلاف یک ایجنت کارکشته بوده که حتی بعد از دستگیری تلاش ها و مانور های زیرکانه در زندان و در جریان تحقیقات انجام داده است. اینکه بعد از مدت زیاد فعالیت و مراسلات با استخبارات انگلیس و نقش بازی کردن و استفاده از نوشته غیر مرئی و دیگر حرکات جاسوسی دستگیر شده از سادگی و حماقت نبوده و تاریخ نشان داده است که بعضی اوقات مجرب ترین ایجنت ها بر حسب تصادف و یا یک اشتباه کوچک به دام افتاده اند. به صورت مثال در سال 1986 یوجین هسنفوس ایجنت قراردادی سی آی ای در نیکاراگوا دستگیر شد چون طیاره حامل وی و سلاح به مخالفان دولت نیکاراگوا سقوط داده شد. ما نمیتوانیم بگوئیم که وی احمق و ساده بود برای اینکه دستگیر شد.

- 3- نه من حیث مبلغ تیوری مصطفی صغیر بلکه به عنوان یک محقق تاریخ که احتمالات مستند و احتمالات منطقی را در نظر میگیرد در این مورد جای شک نیست که انگلیس ها اشخاص خاص در ربار امیرحبیب الله خان را در عملیات مذکور مورد استفاده قرار داده اند و این که چرا تمام عملیات را توسط این درباریان استخدام شده انجام نداده

اند غالباً بر محاسبه استفاده از این اشخاص بعد از قتل و درجه اعتبار به این اشخاص و غیره محاسبات مربوط بوده میتواند باشد.

4- امان الله خان غازی تا 1928 میلادی به ترکیه سفر نکرده بود و شواهدی وجود ندارد که دولت ترکیه بعد از دستگیری مصطفی صغیر در سال 1921 میلادی به دولت افغانستان کدام راپوری در مورد این اعتراف به دولت افغانستان فرستاده است، بنا بر آن توقع احتجاج از امان الله خان و دولت وی در این مورد درست بوده نمیتواند.

5- آن های که انجام عمل قتل امیرحبيب الله خان توسط مصطفی صغیر را ممکن میدانند به همین باور هستند که جهانی صاحب نوشته اند که " این عمل را به کمک کسانی انجام داده باشد که صاحبان رسوخ بودند و میتوانستند زمینه این عمل را فراهم سازند. " و بدون شک باید نقش جنرال نادر خان که مسئول امنیت شاه بود و دیگران مورد بررسی قرار بگیرد و به نظر من نقش جنرال نادر خان و دیگران در این قتل از ناممکنات نیست. اما سوال شما که چرا امان الله خان در این مورد تحقیقات نکرد را وقتی میشود جواب گفت اگر ثابت شود در همانوقت و زمان وی معلومات امروزی را داشته است که واضحا نداشت. محترم باری جهانی میدانند که هر رهبر در هر کجای دنیا الویت های دارد و معمولاً الویت ها بر اساس درجه اهمیت و ثقه بودن معلومات دست داشته در همان وقت و زمان خاص در نظر گرفته میشود. این مسئله که چرا غازی امان الله خان تمام وقت خودش را صرف خونخواهی پدرش نکرد مطالعات دقیق میخواهد تا دیده شود که آیا در همان وقت و زمان غازی امان الله خان تا چه اندازه معلومات ثقه در مورد داشت و آیا آن معلومات به حدی بود که بالاتر از صد ها مسایل ملی و بین المللی در اولویت های وی قرار میداشت.

آرشیف: مطالب نشرشده محترم احمد فواد ارسلا